فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۷، صفحات ۱۴۲-۱۱۷

شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم[۱]

مجتبی باقری[۲]، بهرام قدیمی[۳]، زهرا علیپور درویش[٤]، محمدعلی اصلانخانی[٥]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰٤/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

چکیده

مقاله‌ی حاضر به شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در جامعه‌ی ایرانی عصر پهلوی دوم با هدف ارائه‌ی مدل فرآیند گسترش ورزش فوتبال در دوران مذکور با رویکردی کیفی پرداخته است. اطلاعات تحقیق از طریق مراجعه به کتب، اسناد، مدارک و هم‌چنین مصاحبه با افراد مطلع و شاهدان وقایع گردآوری و با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای تحلیل شده‌اند. بعد از انجام سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی، در مجموع از ۲۰ خرده‌مقوله‌ی استخراج‌شده، ۵ مقوله‌ی اصلیِ «غرب‌گرایی»، «توسعه‌ی رسانه‌های گروهی»، «قدرت و توانایی بریتانیا» و هم‌چنین «فرصت»ها و «کارکرد»هایی که پدیده‌ای مانند فوتبال می‌توانست برای حاکمیت به ارمغان بیاورد به‌دست آمده و در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است. مقوله‌ی مرکزی تحقیق، «مدرنیزاسیون» است که سایر مقوله‌ها را تبیین می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گسترش ورزش فوتبال در دوران مورد مطالعه، بیش از آن‌که محصول ویژگی‌های خاص این ورزش باشد، نتیجه‌ی منطقیِ استراتژی حاکمیت وقت و جناح‌های قدرت‌مند حامی ایشان به‌منظور مدرن‌سازی یا غربی‌کردن جامعه‌ی ایرانی و در قالب برنامه‌ی «مدرنیزاسیون» عملی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: دوران پهلوی دوم، رسانه، غرب‌گرایی، فوتبال، مدرنیزاسیون.

---

[۱] این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری آقای مجتبی باقری به راهنمایی آقای دکتر بهرام قدیمی و خانم دکتر زهرا علیپور درویش است.

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران mabdanan@gmail.com

[۳] دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران(نویسنده‌ی مسئول) d.b.ghadimi@gmail.com

[٤] استادیار مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال Z_alipour@iau-

[٥] استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه شهید بهشتی M-Aslankhani@sbu.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و بیان مسأله

ورزش فوتبال در ایران امروز هم‌پای بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا کارکردی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یافته و توانسته جای‌گاه ویژه‌ای در جامعه به دست آورد. «فوتبال به عنوان جزئی از اجزای جهان‌زیست انسان ایرانی درآمده است. آن بخش از پدیده‌ی طرفداری از فوتبال که در ورزش‌گاه‌ها مشاهده می‌شود تنها بخش کوچکی از جریان کلان اجتماعی طرفداری از فوتبال را به نمایش می‌گذارد»(عبدالهیان،۱۳۸۱:۱۰۰). این ورزش حدود یک قرن پیش وارد ایران شد و اکنون جذاب‌ترین و پرطرفدارترین ورزش کشور به شمار می‌آید. «ورزش فوتبال، به تدریج جای کشتی، ورزش سنتی و پرطرفدار ما را که اکنون تنها با نام تختی به یاد آن می‌افتیم، گرفته است. این شرایط حتی در کشوری چون ترکیه که روزگاری کشتی، ورزش نخست این کشور بوده نیز مصداق دارد»(افسر کشمیری،۲۸:۱۳۸۱). پدیدارشدن فوتبال ایران، در اواخر دوران قاجار تجلی یافت. در دوران پهلوی اول به‌گونه‌ای رسمی مطرح و در عصر پهلوی دوم به اوج گسترش و محبوبیت خویش رسید. با ظهور رضاشاه و شکل‌گیری دولت- ملت نوین توسط وی، به‌تدریج نهادهای مدرن مانند ارتش، آموزش و پرورش، دانشگاه و... پدیدار گشتند و هرکدام در خدمت فرآیند ملت‌سازی مدرن به‌کار گرفته شدند. این فرآیند در عصر پهلوی دوم شدت و حدت فزون‌تری یافت. بدین‌سان، نهاد ورزش نیز به مثابه‌ی دیگر نهادها دچار تغییرات شگرفی شد.

ورزش ایران به زورخانه‌هایش می‌بالید، به پهلوانان کشتی که از سنت‌های کهن می‌آمدند. به تیراندازی و سوارکاری که در عرصه‌ی ادبیات به آن‌ها اشاره می‌شد (...) ولی از ورزشی که در آن با پا به توپ ضربه می‌زدند و دنبال آن می‌دویدند نشانه‌ای نبود. این ورزش امروزی مثل همه‌ی ورزش‌های مدرن، از آن‌سوی مرزها می‌آمد و خوب یا بد به فرنگی‌ها تعلق داشت(صدر، ۱۷:۱۳۷۹).

در عصر پهلوی دوم، ورزش به‌طور عام و فوتبال به‌طور خاص جزئی از نظام اجتماعی این مرز و بوم درآمده بود؛ و درواقع هم‌چون اجزای دیگر جامعه(اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، مذهب و...) توسعه و تعمیم آن برای تعادل، ثبات و دوام اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در این دوران بازی فوتبال در ایران از ویژگی‌های بومی و منحصربه‌فردی برخوردار شده بود که آن را تنها به‌عنوان یک ورزش نمی‌توان قلمداد کرد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم کدامند؟ این مسأله، پرسش اساسی تحقیق حاضر را به خود اختصاص خواهد داد. بدین‌سان، این مطالعه به دنبال آن است تا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

عوامل اجتماعی‌ای که زمینه‌ی گسترش ورزش فوتبال را در جامعه ی ایرانی، خاصه در دوران پهلوی دوم فراهم آورده‌اند مورد کنکاش قرار دهد. به عبارت دیگر، اهتمام نویسندگان بر آن است تا ریشه‌های اجتماعی رونق ورزش بریتانیایی فوتبال در ایران عصر پهلوی دوم را مطمح نظر قرار دهند. پژوهش‌گران امیدوارند نتایج این پژوهش بتواند منبعی مناسب جهت بهره‌برداری فعالان و برنامه‌ریزان عرصه‌ی فرهنگ این مرز و بوم گردد؛ تا ضمن آشنایی با زمینه‌های نشر فرهنگ غربی در جامعه‌ی ایرانی، با مدیریت فرهنگی صحیح، زمینه‌ی اعتلای فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی را فراهم آورند.

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون تحقیقات بسیاری به‌منظور توصیف تحول و گسترش ورزش فوتبال در ایران، به قلم آمده است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: باقری(۱۳۸۹) داشتن تیم فوتبال برای برخی اقوام را ارتشی قلمداد می‌نماید که تاکنون محروم از آن بوده‌اند. فکوهی(۱۳۸۹) کار کرد و رابطه‌ی فوتبال را در جامعه‌ی ایرانی، از گذشته تا حال، به مثابه‌ی خدمت و جای‌گاهش در دیگر جوامع قلمداد می‌کند. از این نظر پیش از انقلاب تاکنون، فوتبال تقریباً همان کارکردها و روابطی را در جامعه‌ی ما به وجود آورده که در دیگر نقاط جهان شاهد آن هستیم. کوپر[1](۱۳۸۹) مدعی است یکی از دلایلی که موجبات محبوبیت و اهمیت فوتبال را در کشورهای خاورمیانه فراهم آورده، کمبود دیگر تفریحات است. هاشمی و جوادی یگانه(۱۳۸٦) فوتبال را در بحبوحه‌ی چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان گروه‌های مختلف ایرانیان، عاملی برای پیوند و در کنار هم نشاندن آنان می‌دانند. فاضلی(۱۳۸۵) فوتبال را در هر کشوری متأثر از بستر اجتماعی و سیاسی خاص آن کشور می‌داند؛ و با توجه به دولتی‌بودن مدیریت در ایران، نهاد ورزش به‌طور عام و ورزش فوتبال به‌طور خاص به نحو آشکاری با مباحث قدرت و ایدئولوژی عجین شده است. کریستین برومبرژه[2](۱۹۹۸) حضور تیم ملی فوتبال ایران را در "جام جهانی" مقدمه‌ای برای حضور این کشور در "جامعه‌ی جهانی" فرض می‌نماید. شهابی(۱۳۷۷) تحول فوتبال را در ایران یکی از شاخص‌های تحولات عمومی کشور و نشان از حرکت به سوی فرهنگ عام جهانی می‌داند.

[1] Kuper
[2] Christian Bromberger

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چهارچوب مفهومی پژوهش

در این نوشتار نظریه‌ی "فرآیند متمدن‌کننده" نوربرت الیاس[1] و نیز مفاهیم "دگرگونی فرهنگی" و "تغییرات اجتماعی" چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که طرح این‌گونه نظریه‌ها و مفاهیم در تحقیقات کیفی خاصه روش نظریه‌ی زمینه‌ای چه ضرورتی دارد:

ازآن‌جاکه در روش نظریه‌ی زمینه‌ای، تکیه‌ی محقق بیش‌تر بر مطالعه‌ی مستقیم پدیده‌ها و استخراج مقوله‌ها، گزاره‌ها و نهایتاً نظریه‌ای مبتنی بر آن‌هاست؛ بهره‌گیری از متون نظری به معنای پذیرش کامل آن‌ها به‌مثابه‌ی چارچوبی نظری نیست و محقق صرفاً از این متون به منزله‌ی منابع احتمالی ایجاد سؤال، منبع ثانویه‌ی داده‌ها و راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کند(استراوس و کوربین[2]، ۱۳۸۷:۵۰- ٤٦).

حاصل عمر نوربرت الیاس(۱۹۹۰- ۱۸۹۷) مطالعه‌ی تاریخی بلندمدتی بود که او فرآیند متمدن‌کننده می‌نامید. او تغییرات تاریخی در رفتارهای عادی را شرح می‌دهد. آن‌چه آن تغییرات را تبیین می‌کند، دست‌کم نخست در سطح کلان دولت روی می‌دهد. از این نظر، تحول تعیین‌کننده، پیدایش سرکرده‌ی قدرت‌مند دولت، یعنی شاه بود. همراه با شاه، حکومت مرکزی باثباتی برای نظارت بر مالیات‌ها و جنگ ظهور کرد. حول شاه، درباری پدید آمد که در آن قدرت به‌طور نسبتاً مساوی تقسیم می‌شد. «دربار، در بحث الیاس جای‌گاه اصلی را دارد»(ریتزر[3]، ۲۱۹:۱۳۸۹).

دگرگونی فرهنگی

مردم عموماً از رهاکردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش‌های جدید به جای آن‌ها مشکل دارند؛ امّا هیچ فرهنگی نیست که طی یک دوره‌ی زمانی، هیچ‌گونه دگرگونی را پذیرا نشده باشد. «هرگاه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی تازه‌ای در یک فرهنگ پدیدار شوند و بر اثر آن محتوی و ساختار آن فرهنگ دگرگون شوند، دگرگونی فرهنگی پدیدار می‌گردد»(کوئن[4]،۱۳۸۲: ٤۳). از دیدگاه جامعه‌شناختی، دگرگونی فرهنگی خود نتیجه‌ی منطقی فرآیندی به نام «فرهنگ‌پذیری» است. «فرهنگ‌پذیری به آن دگرگونی فرهنگی اطلاق می‌گردد که بر اثر تماس‌های

[1] Norbert Elias
[2] Strauss & Corbin
[3] Ritzer
[4] Kohen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

گسترده و مستقیم میان دو یا چند گروه رخ می‌دهد که پیش از این تماس، گروه‌های مستقلی بودند»(بیتس و پلاک[1]،۱۳۸٦:۷۲۲).

برای الیاس تغییر در رأس جامعه(در میان نجبا و زنجیره‌ی وابستگی‌شان) عامل اصلی تغییر در جامعه و رفتار مردم است. این مهم به سبب آن است که موقعیت نجبا و رفتاری که آن‌ها نشان می‌دادند، برای مردم بیش‌تری در سراسر جامعه، حقیقت واقع محسوب می‌شد. "الیاس" ایده‌های خویش را، علاوه بر آن‌که برای بررسی عرصه‌های بزرگ تاریخ به‌کار گرفت، در حوزه‌های خاصی هم‌چون ورزش و اوقات فراغت به‌کار می‌برد. او مثال شکار روباه را می‌آورد که روزگاری مردم از آن لذت می‌بردند. با غیر قانونی‌شدن این عمل، خشونت وحشیانه‌ی انسان پایان نیافت؛ بلکه به شکل دیگری، آن‌سان که خداوندان قدرت خواهانش بودند؛ یعنی در مسابقات ورزشی، خاصه ورزش‌های بریتانیایی فوران می‌کند:

در سده‌های میانی، واژه‌ی ورزش معنای عمومی‌تری داشت. می‌توانست برای هر نوع سرگرمی به کار برود. در قرن هجدهم معنای تخصصی‌تری پیدا نمود؛ اصطلاحی فنی برای نامیدن نوع خاصی از گذران اوقات فراغت که در این دوره در میان نجیب‌زادگان و اشراف زمین‌دار رواج می‌یافت که بهترین نمونه‌ی آن شکل خیلی خاص شکار روباه است(الیاس، ۱۹۳۹؛ به نقل از هنیش[2]،۱۳۸۹:٦۰).

تغییرات اجتماعی

منظور از عوامل اجتماعی، مجموعه‌عللی هستند که توانایی ایجاد تأثیر را بر زندگی گروهی انسان‌ها خواهند داشت. «تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد؛ بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید»(روشه[3]،۱۳۸۲:۳۰).

نوربرت الیاس که در کار خود به میزان زیادی تحت تأثیر فروید[4] و مارکس[5] قرار دارد معتقد است: «ورزش از زمانی آغاز می‌گردد که زندگی بشر تا حد زیادی تحت کنترل درآمده و نظم یافته

[1] Bates & Plaget
[2] Heinich
[3] Rocher
[4] Sigmund Freud
[5] Karl Marx

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

است»(قدیمی، ۱۳۹۳: ۹۰- ۸۹). وی و همکارش "اریک دانینگ[1]" در مورد تحلیل ورزش نیز از همین نظریه استفاده می‌کنند.

ورزش در واقع به‌نوعی جبران آن خشونت‌های فیزیکی است که در قدیم مجاز شمرده می‌شد و اکنون مجاز شمرده نمی‌شود؛ لذا ورزش به شکـل روش‌مند و فعلی‌اش از اوایل قرن ۱۹ شروع می‌شود؛ چراکه در همین زمان است که زندگی بیرونی و درونی آن‌قدر کنترل‌شده و به نظم‌درآمده است که ضرورت دارد جاهای دیگری برای خشونت به رسمیت شناخته شود(اباذری، ۱۳۸۱: ۲۱).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌ای[2] که یکی از روش‌های مرسوم رویکرد کیفی است، استفاده شده است. «این روش، در سال ۱۹٦۷ میلادی از سوی بارنی گلاسر[3] و آنسلم استراس[4] در کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای[5] مطرح شد»(ایمان، ۱۳۹۱: ۷۱). منظور از "نظریه‌ی زمینه‌ای" آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌ی نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. «پژوهش‌گر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه‌ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود»(استراوس و کوربین،۱۳۹۲:۳٤).

در روش نظریه‌ی زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که ممکن است به دست آید، قرابت بسیاری با یکدیگر دارند. درواقع پژوهش‌گر با نظریه‌ای از پیش تعیین‌شده، کارش را آغاز نمی‌کند، بلکه با بخشی از پژوهش شروع به کار می‌نماید و اجازه می‌دهد که نظریه به‌وسیله‌ی داده‌ها متولد شود. «بر اساس اصول حاکم بر نظریه‌ی زمینه‌ای، داده‌های گردآوری‌شده در سه مرحله‌ی کدگذاری باز[6]، کدگذاری محوری[7] و کدگذاری انتخابی[8] استخراج و دسته‌بندی می‌شوند»

[1] Eric Dunning
[2] Grounded theory method
[3] Barney Glaser
[4] Glaser & A. L. Strauss
[5] Discovery of Grounded Theory
[6] Open Coding
[7] Axial Coding
[8] Selective Coding

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(استراوس و کوربین،۲۵:۱۳۹۲). «در کـدگـذاری باز، داده‌هـا به کوچک‌ترین واحد خود شکسته می‌شوند»(ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸٦: ۱۲۸).

جدول شماره‌ی یک- نمونه‌کدهای توصیفی جهت نمایش نحوه‌ی استخراج مفاهیم

اهم کدهای توصیفی	مفهوم
پیش از ورود ورزش‌های غربی، ورزش در ایران محدود به بازی‌های بومی و تمرین‌های زورخانه بود(الهی، ۱۳۷۳: ۸۱).	گسترش ورزش‌های غربی در ایران
طبق گزارش نشریه‌ی رسمی وزارت فرهنگ، در دوران شرکت ولیعهد (محمدرضا پهلوی) در مسابقات، تیم فوتبال دانشکده‌ی افسری به هیچ تیم دیگری نباخت و به مقام قهرمانی مسابقات دانشکده‌ها و دبیرستان‌های تهران رسید. این گزارش، به اشتیاق مردم برای تماشای مسابقه‌هایی که ولیعهد در آن‌ها شرکت داشت، اشاره دارد(شهابی، ۱۳۷۷: ۹٤).	تبلیغ رسانه از بازی فوتبالِ شخصِ دوم مملکت تأکید رسانه بر اهمیت ورزش فوتبال
در روزگار ما روزنامه و رادیویی وجود نداشت (...) درنتیجه ما تنها در محدوده‌ی محله‌مان آگاهی داشتیم(غلامحسین نوریان، پیش‌کسوت تیم ملی فوتبال ایران).	اطلاع‌رسانی بسیار ضعیف پیش از توسعه‌ی رسانه‌ها
ما از طریق شنیدن و از طریق گزارش‌های "عطا به‌منش" در رادیو عاشق و شیفته‌ی فوتبالیست‌هایی چون حمید شیرزادگان و همایون بهزادی شدیم(حمیدرضا صدر، مفسر و تحلیل‌گر فوتبال ایران).	نقش رسانه در محبوب‌شدن ورزش فوتبال
چند هفته بیش‌تر از خروج رضاشاه از ایران، در شهریور ۱۳۲۰ نگذشته بود که آیت‌الله کاشانی در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت شکایت کرد که دولت درنهایت جسارت مسجدی را به میدان فوتبال مبدل ساخته و در آن کلاس‌های ورزشی دایر کرده است(آشنا، ۱۳۷۱: به نقل از شهابی، ۱۳۷۷: ۹٤).	ساخت استادیوم فوتبال با تخریب اماکن مقدس

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اهم کدهای توصیفی	مفهوم
سال ۱۳۵۰ تیم کریستال پالاس[1] انگلیس ۵۰۰ هزار تومان جهت قرارداد با من پیشنهاد داد(پروین، پیش‌کسوت تیم‌های ملی، پیکان و پرسپولیس).	سرمایه‌گذاری اقتصادی بریتانیایی‌ها در جهت ترویج ورزش بومی خویش (فوتبال)
طرح ایجاد دو تیم قرمز و آبی پیشنهاد انگلیسی‌ها به ساواک بود(مجید جلالی، ابتکار نیوز، ۱۵ شهریور ۱۳۸۸).	سرمایه‌گذاری سیاسی بریتانیایی‌ها در جهت ترویج ورزش بومی خویش (فوتبال)
تنگ‌کردن عرصه بر دگراندیشانی چون "غلامرضا تختی" تا حذف فیزیکی‌اش توسط خویشتن(گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۳: ۱۰۹) شکنجه و درنهایت تیرباران "طیب حاج-رضایی"(محمدی سرشت، ۱۳۹۳: ٦۹) نشان از قواعد لاتغییر سیاسی داشت که رژیم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در پیش گرفته بود.	محدودکردن قهرمانان و پهلوانان دگراندیش ورزش‌های سنتی
تیم فوتبال تاج به خاطر قدرت مدیر باشگاهش (تیمسار خسروانی) خیلی مزایا داشت. مثلاً ما رو دانشگاه پارتی‌بازی قبول کرده بودند. خیلی از دوستای دیگه رو سربازی معاف کردند. به خاطر قدرتی که مدیر باشگاه داشت «مرد ٦٦ ساله[2]، پیش‌کسوت فوتبال ایران».	حمایت عملی حاکمیت از برخی تیم‌ها و بازی‌کنان فوتبال
مرداد ۱۳٤۷ چند ساعت قبل از شروع بازی ایران و هند ظرفیت استادیوم امجدیه تکمیل و ۳۰ هزار نفر نیز پشت دروازه‌ی استادیوم مانده بودند(نادر لطیفی، پیش‌کسوت تیم ملی و باشگاه تاج).	شکل‌گیری علاقه‌ی مردم به ورزش فوتبال

کدگذاری باز اشکال متفاوتی از قبیل عبارت به عبارت، پاراگراف به پاراگراف و سطر به سطر دارد. در مطالعه‌ی حاضر، کدگذاری به‌صورت «سطر به سطر» انجام شده است و هرکدام از سطور

[1] Crystal Palace

[2] به درخواست مصاحبه‌شونده، اسمی از ایشان آورده نشده است.

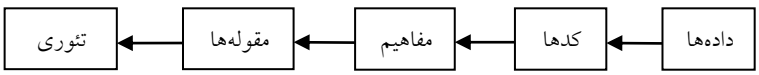
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یا جمله‌ها توسط مفاهیمی که نمایانگر محتوای آن‌ها بودند، دسته‌بندی شده‌اند. در این مرحله از پژوهش حاضر، بیش از ۳۵۰ کدگذاری باز بر روی اسناد و مدارک و هم‌چنین بیش از ۳۰۰ کدگذاری باز برای مصاحبه‌ها صورت پذیرفت که با احتساب موارد تکراری، در این مطالعه بیش از ۷۰۰ کدگذاری انجام گرفته است.

«دومین مرحله، کدگذاری محوری، یعنی فرآیند مرتبط‌کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است»(استراوس و کوربین،۱۳۹۲:۱٤٥). این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌ها است. لازمه‌ی این مرحله مقایسه‌ی دائمی[1] داده‌ها است. در این مطالعه، ابتدا تعداد ١٦ مقوله به دست آمد که در ادامه‌ی مسیر، مقولات به ۲۰ عدد افزایش یافتند.

سومین مرحله‌ی کدگذاری، کدگذاری انتخابی است؛ که فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه است. «در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح‌کنندگی دارد، مرتب می‌شوند. همین‌که محقق خود را به یک اندیشه‌ی مرکزی پایبند کند، مقوله‌های اصلی با جمله‌های تبیینی حاکی از ارتباط، به آن وصل می‌شوند»(استراوس و کوربین،۱۳۹۲:۱۸۲).

در این مرحله، فرآیند پژوهش به جایی ختم شد که از میان مقوله‌های نهایی، یک مقوله محوریت یافت و به‌عنوان مقوله‌ی اصلی بررسی و مدل نظری بر مبنای آن استخراج گردید.



نمودار شماره‌ی یک- فرآیند تکوین تئوری در روش تحقیق نظریه‌ی زمینه‌ای

ازآن‌جاکه در تحقیقات کیفی، حجم نمونه را نمی‌توان از پیش تعیین کرد و گردآوری داده‌ها تا مرحله‌ی اشباع نظری[2] ادامه خواهد یافت؛ در پژوهش حاضر، مراجعه به متون و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کرد که به یافتن ویژگی‌های جدید، ابعاد جدید و روابط جدید منجر نشوند. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتاب‌خانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته[3] و عمیق[4] و با کمک شیوه‌های نمونه‌گیری هدف‌مند و نظری انجام شد. در مصاحبه با پیش‌کسوتان این ورزش،

[1] constant comparison
[2] Theoretical Saturation
[3] semi structured interview
[4] in-depth Interview

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سؤال باز اصلی مطرح‌شده این بود که: به نظر شما چرا ورزش انگلیسی فوتبال در دوران پهلوی دوم، به چنان گسترش و محبوبیتی دست پیدا کرد؟ و در ادامه و با عنایت به چهارچوب مفهومی، پرسش‌های مفصل و دقیق‌تری مطرح شد.

محققان، به‌منظور افزایش کیفیت تحقیق حاضر از شیوه ی زاویه‌بندی[1] بهره برده‌اند. زاویه‌بندی، خود حاوی انواع گوناگون است که در این تحقیق از نوع داده‌ای[2] آن استفاده شده است. «در این نوع از زاویه‌بندی، بیش از یک منبع داده‌ای یا به عبارتی از منابع داده‌ای متعدد استفاده می-گردد»(لی:۲۰۰۰: به نقل از محمدپور،۱۳۹۲:۱۹۱). «با ترکیب‌نمودن مشاهده‌گران، نظریه‌ها، روش‌ها و منابع داده‌ای گوناگون، محققان می‌توانند نسبت به غلبه بر سوگیری که ناشی از مطالعات تک‌روشی، تک مشاهده‌گری و تک نظریه‌ای هستند، امیدوار باشند»(دنزین[3]،۲۰۱۷:۳٤۷).

در روش نظریه‌ی زمینه‌ای، محقق باید کدگذاری مرحله‌مندی را(باز، محوری و انتخابی) به اجرا دربیاورد و گزارش کار نهایی خود را در قالب یک الگوی پارادایمی ارائه دهد. در نمودار شماره‌ی ۲ بخش یافته‌ها، الگوی مذکور مشخص شده است.

یافته‌های پژوهش

در بهار سال ۱۳۱۵ ولیعهد "محمدرضا" به کشور بازگشت. او که در دوران ۵ سال تحصیل خود در مدرسه‌ی رُزه[4] سوئیس به تیم‌های فوتبال و تنیس مدرسه پیوسته بود؛ پس از ورود به ایران به فعالیت‌های ورزشی اشتیاقی ویژه نشان داد و در دوران خدمت نظام در دانشکده‌ی افسری به تیم فوتبال آن پیوست.

طبق گزارش نشریه‌ی رسمی وزارت فرهنگ، در دوران شرکت ولیعهد(محمدرضا) در مسابقات، تیم فوتبال دانشکده‌ی افسری به هیچ تیم دیگری نباخت و به مقام قهرمانی مسابقات دانشکده‌ها و دبیرستان‌های تهران رسید. این گزارش، ضمن اشاره به اشتیاق مردم برای تماشای مسابقه‌هایی که ولیعهد در آن‌ها شرکت داشت، درباره‌ی شیوه‌ی بازی وی چنین نوشته است: والاحضرت همایون

[1] Triangulation
[2] Data Triangulation
[3] Norman Denzin
[4] Le Rosey

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ولایتعهد در دسته‌ی فوتبال دانشکده‌ی افسری همیشه در مرکز بازی و خط حمله(سانتر فوروارد) که از مشکل‌ترین و فنی‌ترین قسمت‌های بازی است جای دارند(شهابی،۱۳۷۷:۹٤).

«هنگامی‌که «رضاشاه» در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تحت فشار حوادث از مقام سلطنت استعفا داد، دولت بریتانیا پس از مشورت با زمام‌داران مسکو، پسر بیست‌ویک‌ساله‌ی او "محمدرضا" را به‌عنوان پادشاه جدید ایران به رسمیت شناخت»(امینی، ۱۳۸٦: ۷۵). با سقوط حکومت رضاشاه جامعه وارد دوره‌ی ده- دوازده‌ساله‌ی آزادی(تا کودتای ۲۸ مرداد) می‌گردد که برهه‌ی زمانی مهمی در تغییر و تحول فرهنگ و جامعه‌ی ایران است. «با اشغال ایران از سوی متفقین، نیروهای اجتماعی ایران که تا آن زمان در منگنه‌ی فشار بودند آزاد شدند. این نیروها به دنبال احیای مطبوعات آزاد، سازمان‌های سیاسی و درگیرشدن در جنبش‌های اجتماعی بعد از جنگ دوم جهانی، به این آزادی واکنش نشان دادند»(فوران[1]،۱۳۸٦:۳۹٤).

در این دوران است که فدراسیون‌های ورزشی یکی پس از دیگری تشکیل شدند. فدراسیون فوتبال و تیم ملی فوتبال ایران نیز به‌تبع تحولات مذکور فعالیت خویش را به‌گونه‌ای رسمی آغاز می‌کند.

تا دهه‌ی ۱۳٤۰ فوتبال ایران به شیوه‌ای سنتی اداره می‌شد و طی این مدت جای‌گاه خاصی در میان تیم‌های فوتبال آسیا نداشت. درواقع از این دهه به بعد بود که فوتبال ایران اندک، اندک صاحب چهره‌های مستعد و درخشان شد و تاخت‌وتاز خود را بر عرصه‌ی فوتبال آسیا آغاز نمود.

اوایل، تـمامی وسایل از کفش و جوراب بگـیر تا لـباس و شورت ورزشـی را خودمان تهـیه می‌کردیم. پشت سفارت آمریکا، اتاقی کرایه کردیم، روزگار به‌سختی می‌گذشت. بدترین تغذیه و کم‌ترین امکانات را در اختیار داشتیم و کرایه‌خانه را خودمان می‌پرداختیم؛ اما یک‌دفعه همه‌چیز عوض شد(حمید جاسمیان، پیش‌کسوت تیم‌های ملی، جم (البرز) آبادان و پرسپولیس).

شرایط زمینه‌ای[2]

«شرایط زمینه‌ای، عبارت است از سلسله‌زمینه‌های خاص که طی آن راهبردهای کنش/ واکنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد»(استراوس و کوربین،۱۳۸۷:۱۰۱). به دیگر سخن، شرایط زمینه‌ای به ما خواهد گفت که چگونه ورزشی چون فوتبال(و نه ورزش

[1] John Foran
[2] Contextual condition

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دیگری) چنین جای‌گاه رفیعی در جامعه‌ی ایرانی کسب می‌نماید. «این که امروزه فوتبال به چنین جای‌گاه ممتازی نایل شده، نشان از این امر دارد که فوتبال در شکل امروزینش، به نمادی از تجدد یا مدرنیته تبدیل شده است»(داوری اردکانی،۱۳۸۸:۸– ٤).

در اواسط دوران قاجار، پس از آن که نخبگان ایرانی به برتری نظامی دولِ غرب پی بردند (در نتیجه‌ی شکست از روسیه و تحمیل معاهده‌های تحقیرآمیز گلستان و ترکمن‌چای) در پی یافتن علل واقعی این برتری، میل بسیاری برای شناخت و ارتباط با غرب در میان اعیان قاجار پدید آمد. بدین‌سان، اصلاح و بازآفرینی در حوزه‌هایی چون آموزش و پرورش، معماری، ادبیات، موسیقی و... اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. ورزش نیز که تافته‌ای جدابافته از فرهنگ و جامعه ی ما نیست، تحت تأثیر این جریان‌ها تغییرات شگرفی می‌بیند. «پیش از آن که ورزش و تربیت‌بدنی از سوی غرب به ایران راه یابد، ورزش در ایران محدود بود به بازی‌های بومی محلی بخش‌های مختلف ایران و به تمرین‌های زورخانه‌ای که هدف نهایی آن تا نیم‌قرن پیش آموزش فنون کشتی بود»(الهی،۱۳۷۳: ۸۱). در این دوران تنها بازی تیمی مهم و بومی چوگان بود که در دوره‌ی صفویه رونق یافت؛ ولی متعاقب بلواهایی که با سرنگونی این خاندان در سده‌ی دوازدهم درگرفت، دیگر خبری از آن نبود تا اواخر دوره‌ی قاجار که بریتانیایی‌ها هم‌چون یک محصول وارداتی خودشان احیایش کردند.

سال‌هاست که سیاست‌پیشه‌گان ایرانی از این می‌نالند که ما ایرانی‌ها همکاری با یکدیگر را بلد نیستم (...) از همین‌رو بود که ما آن‌ها را با فوتبال، بیس‌بال، والیبال و بسکتبال آشنا کردیم؛ یعنی با بازی‌های گروهی که در ایالات‌متحده، رایج است(جوردن[1]،۱۹۳۵، به نقل از شهابی،۱۳۷۸:۹۲). نرمش‌های بدنی در ایران بیش‌تر و ذاتاً فردی بوده و همین هم به نظر تجددخواهان ایرانی نشانه‌ای از فردمحوری و نبود روحیه‌ی همکاری آمده که معمولاً به «منش ملی» ایرانی‌ها نسبتشان داده‌اند و سوق‌شان داده به سمت این که در راستای برنامه‌شان برای تغییر، ورزش‌های تیمی را در ایران محبوب و فراگیر کنند(کاشفی‌پور،۱۳٦۲:۸).

شرایط عِلی[2]

«شرایط عِلی یا سبب‌ساز معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده اثر می‌گذارند» (استروس و کوربین،۱۳۹۵:۱۵۳). این شرایط که ظهور یا توسعه‌ی مقوله‌ی مرکزی را به‌گونه‌ای

[1] Jordan
[2] causing situation

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شکل می‌دهد که به‌نوبه‌ی خود منجر به اقدام‌هایی برای گسترش پدیده‌ی اصلی مورد بررسی (در این جا فوتبال) می‌گردد. آن‌چه فوتبال را از سایر ورزش‌ها متمایز می‌کند، هیجان پیرامونش است که از طریق «رسانه» می‌توان به آن دست یافت. به عبارت دیگر، ورزش فوتبال در پرتو واقعیتی به نام رسانه معنای جهان‌شمول به دست آورده است.

به تعبیر جک اشتاین: فوتبال بدون هوادارانش هیچ نیست. به عبارت دیگر، جذابیت‌ها و جای‌گاه این بازی را نه بازی‌کنان، بلکه هوادارانش می‌سازند. این گروه هواداران که می‌توان آن‌ها را بدنه‌ی اجتماعی فوتبال نامید، حاصل رسانه‌ها و نفوذ آن‌ها در جامعه است. من این پدیده را "رسانه‌ای شدن" فوتبال می‌نامم، پدیده‌ای که باعث تغییر فوتبال از "امر ورزشی" به "امر اجتماعی" با ابعاد مختلف می‌شود(ذکایی و فاضلی،۱۳۹۳:۱۷).

در دوران پهلوی اول، علی‌رغم حمایت دولت از ترویج ورزش فوتبال، این ورزش جای‌گاه خاصی در میان عوام نداشت. «در تهران برخی از مقامات بلندپایه‌ی دولتی به تماشای مسابقات می‌رفتند. در آغاز کار مردم چنان به تماشای مسابقه‌های فوتبال بی‌رغبت بودند که انجمن ملی تربیت‌بدنی، برای تشویق و جلب آنان به این مسابقات، به تماشاگران چای و شیرینی رایگان می‌داد»(صدیق:۱۳۵٤، به نقل از شهابی،۱۳۷۷:۹٤-۹۳). یکی از پیش‌کسوتان فوتبال ایران نیز با تأیید ادعای فوق مدعی است تا قبل از گسترش رسانه‌های گروهی، آگاهی و شناخت از رویدادها و مسایل ورزش به‌طور عام و فوتبال به‌طور خاص، هرگز تحقق نیافته بود. «اون موقع روزنامه‌ی ورزشی وجود نداشت، رادیویی هم وجود نداشت که بتوانیم اخبار را دنبال کنیم. ما از محدوده‌ی محله‌ی خودمان جایی نمی‌رفتیم، اصلاً جایی را بلد نبودیم، در نتیجه اطلاعات به شکلی که الان هست ۲۰۰۰ درجه فاصله داشت»(غلامحسین نوریان، پیش‌کسوت تیم ملی فوتبال ایران). یکی از مفسران فوتبال ایران نیز به نقش کلیدی رسانه‌های گروهی(خاصه رادیو، در ابتدای امر) در گسترش و محبوبیت ورزش فوتبال در ایران انگشت می‌گذارد. «ما از طریق شنیدن و از طریق گزارش‌های "عطا به‌منش" در رادیو عاشق و شیفته‌ی فوتبالیست‌هایی چون حمید شیرزادگان و همایون بهزادی شدیم»(حمیدرضا صدر، مفسر و تحلیل‌گر فوتبال ایران). زمانی که تیم ملی فوتبال ایران، جواز حضور در المپیک ۱۹٦٤ توکیو را به دست آورد، دیگر زمان آن فرا رسیده بود تا رسانه‌ها این فرصت را یافته باشند، در کنار قهرمانان افسانه‌ای کشتی ایران، نامی از بازی‌کنان فوتبال نیز برده باشند. «بعد از این حضور بود که برای نخستین بار تصویر حمید شیرزادگان،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

زننده‌ی سه گل تیم ملی به هندوستان روی جلد هفته‌نامه‌ی کیهان ورزشی در کنار تصویر غلامرضا تختی نقش بست»(امیر حاج‌رضایی، مفسر و تحلیل‌گر فوتبال ایران).

دهه‌ی ۱۳٤۰ میدان ورزش در ایران به‌گونه‌ای بی‌سابقه دگرگون می‌شود. در این دهه، ورزش فوتبال به دلیل گسترش رسانه‌های جمعی، از رادیو و تلویزیون گرفته تا روزنامه‌ها و مجلات، گسترش شگرفی می‌یابد. درواقع اخبار و اطلاعات فوتبال از طریق رسانه‌های مذکور دنبال می‌گردید.

یه روز نشسته بودیم تلویزیون نگاه می‌کردیم که اعلام کردن فردا اسامی تیم ملی در روزنامه‌ها چاپ می‌شه... صبح فرداش اول وقت پا شدیم رفتیم روزنامه رو خریدیم و دیدم که اسمم هست. از دکه‌ی روزنامه‌فروشی تا خونه، اون مسیر رو استارت زدیم و به خونوادمون گفتیم که برای تیم ملی دعوت شدیم (بهتاش فریبا، پیش‌کسوت تیم ملی و باشگاه‌های راه‌آهن و تاج).

از سال ۱۳٤۷ رقابت‌هایی چون جام ملت‌های آسیا پوشش تلویزیونی داده شد. دیدار نهایی این رقابت‌ها میان ایران و اسرائیل برگزار شد. ایران ۲ بر ۱ این دیدار را به سود خویش به پایان رساند و قهرمان آسیا شد. این بار نه‌تنها تماشاچیانی که بازی را در استادیوم تماشا کرده بودند، علاقه‌مندانی که بازی را از تلویزیون دیده بودند، در کوچه و خیابان جشن شادی را ادامه دادند.

مقوله‌ی مرکزی[1]

مقوله‌ی مرکزی که گاه آن را مقوله‌ی هسته خوانده‌اند، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. اگرچه مقوله‌ی مرکزی از درون پژوهش بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است. «با قدری اغراق، مقوله‌ی مرکزی حاصل همه‌ی تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد. این کلمه‌ها به ما می‌گویند که کل پژوهش در باب چیست»(استراوس و کوربین،۱۳۹۵:۱٦۷). "مدرنیزاسیون" یا نوسازی به دو معنی به کار گرفته شده است. در معنای اول مجموع رویدادهای سیاسی، اجتماعی و علمی و فنی است که در غرب پدیدار شده و اسباب پیشرفت صنعتی و قدرت سیاسی غرب را فراهم آورده است. در معنای دوم مدرنیزاسیون به معنای فرآیند انتقال مدرنیته‌ی غربی به سرزمین‌های غیر غربی است. مدرنیزاسیون اجرایی در دوران پهلوی دوم مترادف با معنای دوم بود. ورود محمدرضا پهلوی به عرصه‌ی قدرت توأم با تناقضاتی چون بحران دولت مدرن و تعارض آن با سنت پادشاهی و هم‌چنین بحران تجددخواهی و تعارض آن با دین‌گرایی بود. «چند هفته بیش‌تر

[1] Central category

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از خروج رضاشاه از ایران، در شهریور ۱۳۲۰، نگذشته بود که آیت‌الله کاشانی، در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت شکایت کرد که دولت در نهایت جسارت مسجدی را به میدان فوتبال مبدل ساخته و در آن کلاس‌های ورزشی دایر کرده است»(آشنا،۱۳۷۱: به نقل از شهابی،۱۳۷۷:۹٤). به هر تقدیر، این دوران در مقایسه با دوره‌ی پهلوی اول که مدرنیزاسیون آمرانه‌اش حول مفهوم مرکزی چون "امنیت" می‌چرخید؛ بر مفهومی خاصی به نام "پیشرفت" دلالت داشت.

تجربه‌ی اصلی این دوران، بیش‌تر توسعه‌ای شد؛ زیرا با توجه به تجربه‌ی جهانی به نام توسعه‌ی جهان سوم به نظر رسید که با فرض ثبات سیاسی اجتماعی در ایران و اهمیت درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، برنامه‌ریزی در امکان سامان‌دهی جامعه‌ی ایرانی و دست‌یابی به توسعه امکان‌پذیر است(آزاد ارمکی،۱۳۸٤:۱۳٦).

اولین تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۳۲۰ به همت حسین صَدَقیانی تأسیس شد. صدقیانی که تجارب بسیاری در زمینه‌ی فوتبال از اروپا کسب نموده بود، این تجارب را در ایران به کار گرفت. در این دوران تحت تأثیر اندیشه‌های غربی زمینه‌ی تغییرات بسیاری فراهم گردید. «از شهریور ۱۳۲۰ در ایران باب جدیدی برای تأسیس فدراسیون‌های مختلف ورزشی باز شد»(شفیعی‌سروستانی، ۱۵۹:۱۳۷۸). تشکیل کلوب دوچرخه‌سواران (بعدها به تاج و استقلال تغییر نام داد) در سال ۱۳۲۲، نشان از تحولی بزرگ در نهاد ورزش این مرز و بوم داشت.

ثروت حاصل از افزایش قیمت نفت، به نحوی از انحاء موجب حمایت مالی بی‌سابقه‌ی دولت و کارگزاران زیرمجموعه‌اش از تیم‌ها و بازی‌کنان فوتبال شد. "علی پروین" پیش‌کسوت فوتبال ایران درباره‌ی این حمایت بی‌سابقه می‌گوید:

وقتی سال ٤۷ از باشگاه پیکان ۲۰ هزار تومان بابت قراردادی یک‌ساله گرفتم، بابایمان گفت: تو این پول را دزدیدی! خلاصه ۱۱- ۱۲ شب ما را برد در خونه‌ی مربی تیم که این پول چیه شما دادی به این بچه؟! اون هم گفت: بابا این پولو واسه فوتبال دادیم. ۲۰ هزار تومان خیلی پول بود اون موقع! یادمه ۲۰ تا هزاری بود؛ من گذاشته بودم تو اتاق، روش غَلت می‌خوردم.

توسعه و گسترش ورزش فوتبال در ایران که نتیجه‌ی منطقی اجرای استراتژی مدرن‌کردن این جامعه بود، خود موجبات جذب بسیاری از جوانان مناطق مختلف را به این رشته فراهم آورد.

من متولد ۱۳۳۲ در کشور عراق هستم. در اون جا من توی بهترین تیم عراق بازی می‌کردم، ۱۷- ۱۸ سالم که شد، به خاطر پیشرفت فوتبال ایران و هم‌چنین عشق به وطن آبا و اجدادی به ایران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کوچ کردیم تا زندگی و فوتبالم را در این جا ادامه بدهم(نوری خدایاری، پیش‌کسوت تیم‌های ملی، پلیس عراق و منتخب خوزستان).

ساخت دهکده‌ی المپیک و مجموعه‌ی ورزشی آریامهر(آزادی کنونی) برای برگزارکردن بازی‌های آسیایی ۱۹۷٤ که شامل ورزش‌گاه یک‌صد هزارنفری فوتبال، سالن دوازده‌هزارنفری و ده‌ها سالن، پیست و استخر برای رشته‌های گوناگون بود، در راستای تحقق رسالت مذکور اجرا گردید.

شرایط مداخله‌گر[1]

«شرایط مداخله‌گر، شرایطی است که راهبردها و استراتژی‌ها را در درون زمینه‌ی خاصی سهولت می‌بخشد یا آن‌ها را محدود و مقید می‌نماید»(استراوس و کوربین،۹۷:۱۳۸۷). خاست‌گاه ورزش فوتبال، بریتانیا خاصه کشور انگلستان است.

در انگلیس، زمانی این بازی را فوتبال نامیدند که تصمیم بر آن شد دیگر از دست برای حمل توپ استفاده نشود. قبل از آن هیچ قاعده‌ای برای حرکت دادن یا متوقف کردن توپ وجود نداشت؛ اما سرانجام در کالج ترینیتی کمبریج و در اکتبر ۱۸٤۸، تصمیم بر آن شد تا قواعد خاصی هم‌چون عدم استفاده از دست (به جز در مناطقی خاص) منظور گردد(هلمیر و اوونز[2]، ٦:۲۰۰۰).

قدرت و توان بریتانیا در راه‌یابی بازی فوتبال به سایر نقاط جهان نقش بسیار داشت؛ مانند دیگر نقاط جهان، اتباع انگلیسی در معرفی و تعلیم این ورزش در ایران نقشی اساسی داشتند. آن‌ها برای گسترش و ترویج ورزش بومی‌شان(فوتبال) اقدامات و هزینه‌های بسیاری می‌کردند. «سال ۵۰ تیم کریستال پالاس انگلیس اومد ایران، برا قرارداد با من ۵۰۰ هزار تومان می‌داد. من روزنامه‌هاش رو دارم. منتها ما بچه بودیم، عقلمون نمی‌رسید»(پروین، پیش‌کسوت تیم‌های ملی، پیکان و پرسپولیس). بریتانیا به خاطر کنترل صنعت نفت ایران، برجسته‌ترین بازیگر خارجی در اقتصاد این کشور بود. این کشور حتی در دوران جنگ جهانی دوم، نفت عظیمی از چاه‌های جنوب استخراج می‌کرد و سود سرشاری از قِبَل ایران می‌برد. «از نظر سیاسی نیز بریتانیا بر سران ایلات محافظه‌کار، روزنامه‌نگاران، پاره‌ای روحانیان و سایر گروه‌های سلطنت‌طلب و ضد کمونیست نفوذ شدیدی داشت»(فوران،٤۰۳:۱۳۸٦). در کشور ما، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، انگلیسی‌ها که به دلایل

[1] Intervening conditions
[2] Owens & Helmer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مختلف به ایران سفر می‌کردند یا در تهران و سایر شهرستان‌ها اقامت داشتند، بازی فوتبال را رواج دادند.

انگلیسی‌ها در اوقات فراغت خود به بازی فوتبال می‌پرداختند و جوانان ایرانی آن‌قدر دور زمین‌های بازی آن‌ها ایستاده، به تماشا پرداختند که به این ورزش جدید علاقه‌مند شدند. این امر در مناطق نفت‌خیز جنوب و در تهران که تعداد زیادی انگلیسی وجود داشتند، بیش‌تر مشاهده می‌شد(جلالی فراهانی،۱۳۷۸: ۱۰ و ۱۱).

در دهه‌ی ۱۳٤۰ توجه بسیاری به دو تیم پرسپولیس و تاج(استقلال بعد از انقلاب ۵۷) بود. رادیو و تلویزیون با آب‌وتاب فراوان مسابقات این دو تیم را پوشش می‌داد و روزنامه‌ها روزانه اخبار داخلی آن‌ها و بازی‌کنان‌شان را به نگارش درمی‌آوردند. بعدها یکی از مربیان فوتبال ایران مدعی شد که طرح ایجاد دو تیم قرمز و آبی در فوتبال ایران در زمان گذشته از سوی انگلیسی‌ها به ساواک پیشنهاد شد که ایران هم پذیرفت. «آن‌ها گفته بودند ما هم برای رسیدن به اهداف سیاسی و درنهایت سرگرمی مردم، در هر شهری از انگلیس یک آبی و قرمز تشکیل داده‌ایم»[1].

استراتژی‌های کنش/کنش متقابل

استراتژی‌های کنش/کنش متقابل اعمال هدف‌مند یا عمدی هستند که برای حل یک مسأله اخذ می‌شوند و این که یک پدیده را به روش‌های مختلف شکل می‌دهند. دسیسه‌ی دول غربی، خاصه انگلستان و آمریکا در شکست نهضت ملی و زمام‌داری مجدد محمدرضاشاه، کارگر آمد و شاه پس از بازگشت، سیاست غربی‌کردن جامعه‌ی ایرانی را سرعت بیش‌تری بخشید. «شاه به پیشنهاد کابینه‌ی «کندی[2]» (رئیس‌جمهور وقت آمریکا) چهره‌های لیبرال را وارد کابینه‌ی خویش نمود و گام‌های مؤثری برای انجام اصلاحات ارضی برداشت»(آبراهامیان[3]،۱۳۸۷: ۳۸۵). بدین‌سان، نتیجه‌ی منطقی در پیش گرفتن این استراتژی در میدان ورزش، افول ورزش‌های سنتی و کهن ایرانی چون زورخانه و کشتی و هم‌چنین گسترش ورزش‌های غربی مانند فوتبال بود. تنگ‌کردن عرصه بر دگراندیشانی چون "غلامرضا تختی" تا حذف فیزیکی‌اش توسط خویشتن؛ شکنجه و درنهایت تیرباران "طیب حاج‌رضایی"، نشان از قواعد لاتغییر سیاسی داشت که رژیم پس از کودتای ۲۸

[1] مجید جلالی، قرمز و آبی طرح پیشنهادی انگلیسی‌ها به ساواک بود! ابتکار نیوز، ۱۵ شهریور ۱۳۸۸.

[2] Kennedy

[3] Abrahamian

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مرداد ۱۳۳۲ در پیش گرفته بود. در واقع این قواعد از پیش طراحی شده، ایجاب می‌نمود تا هرگونه اقدام ماجراجویانه و انتقاد از سیاست‌های جدید را در نطفه خفه و به شدت سرکوب نمایند.

در مقابل، حمایت از توسعه و گسترش ورزش بریتانیایی فوتبال فزونی می‌یابد تا محبوبیت و منحصربه‌فرد بودن پهلوانان کشتی و زورخانه به قهرمانان فوتبالیست تسری یابد. یکی از پیش‌کسوتان فوتبال ایران حمایت عملی حاکمیت از تیم‌ها و بازی‌کنان فوتبال، خاصه عوامل وابسته به نظام حاکم را این‌گونه توضیح می‌دهد:

تیم تاج خیلی مزایا داشت. مثلاً ما رو دانشگاه پارتی‌بازی قبول کرده بودند. من و خدابیامرز (...) و (...) رو پارتی‌بازی قبول کرده بودند. خیلی از دوستای دیگه رو سربازی معاف می‌کردند، به خاطر قدرتی که مدیر باشگاه داشت. آره از این امتیازات زیاد داشت، به نسبت همه‌ی باشگاه‌های دیگه(مرد ٦٦ ساله[1]، پیش‌کسوت فوتبال ایران).

بازی ایران و اسرائیل در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳٤۹ را باید تیرِ خلاص ورزش مدرن بر پیکر نیمه‌جان ورزش‌های کهن ایرانی چون کشتی و زورخانه قلمداد نمود.

تصور می‌کنم اگر جایی که فوتبال می‌آید و با کشتی برابری می‌کند و در حقیقت جلو می‌افتد، این بازی بود و این پیروزی. پس از اون می‌بینید که همه‌ی مجله‌ها و روزنامه‌ها تصاویر بازی‌کنان فوتبال را چاپ می‌کنند، باهاشون مصاحبه می‌کنند، صاحبان صنایع اون‌ها را دعوت می‌کنند، بهشون جایزه می‌دهند(حمیدرضا صدر، مفسر و تحلیل‌گر فوتبال ایران).

حمایت از توسعه و گسترش ورزش فوتبال در عصر پهلوی دوم به‌گونه‌ای رقم خورد که در دهه‌ی ۱۳۵۰ تیم ملی فوتبال ایران، آقای فوتبال آسیا و برترین تیم این قاره بود. «از سال ۵۱ تا ۵۷ من یادم نمی‌یاد که بازی رو در آسیا باخته باشیم»(حسن روشن، پیش‌کسوت تیم ملی، باشگاه‌های تاج و الاهلی امارات).

[1] به درخواست مصاحبه‌شونده، اسمی از ایشان آورده نشده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیامدها[1]

پیامـدها، نتیجه‌ی استراتژی‌های کنش/تعامل هستنـد. آن‌ها برای همه عاملینِ یک زمینه به کار می‌روند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان داد که چندین پیامد ناشی از گسترش ورزش فوتبال برای حاکمیت در عصر پهلوی وجود دارد که پیامدهای آن برای جامعه‌ی وسیع‌تر اعمال می‌گردد. مدرنیزاسیون پیش‌گرفته در دوران پهلوی دوم که زیر سایه و پرچم گفتمان غرب‌گرایی حاکم بر این عصر عملی شد، حداقل در میدان ورزش ایران دگرگونی بی‌سابقه‌ای به وجـود آورد و ورزش‌های غربی مانند فوتبال را در مرتبتی برابر(و در ادامه فراتر) با ورزش‌های سنتی این مرز و بوم چون کشتی قرار داد. نقل قول یکی از پیش‌کسوتان فوتبال ایران در اشاره به گرایش بی‌سابقه‌ی بسیاری از مردم به این ورزش در آن دوران، خود شاهد مدعا است.

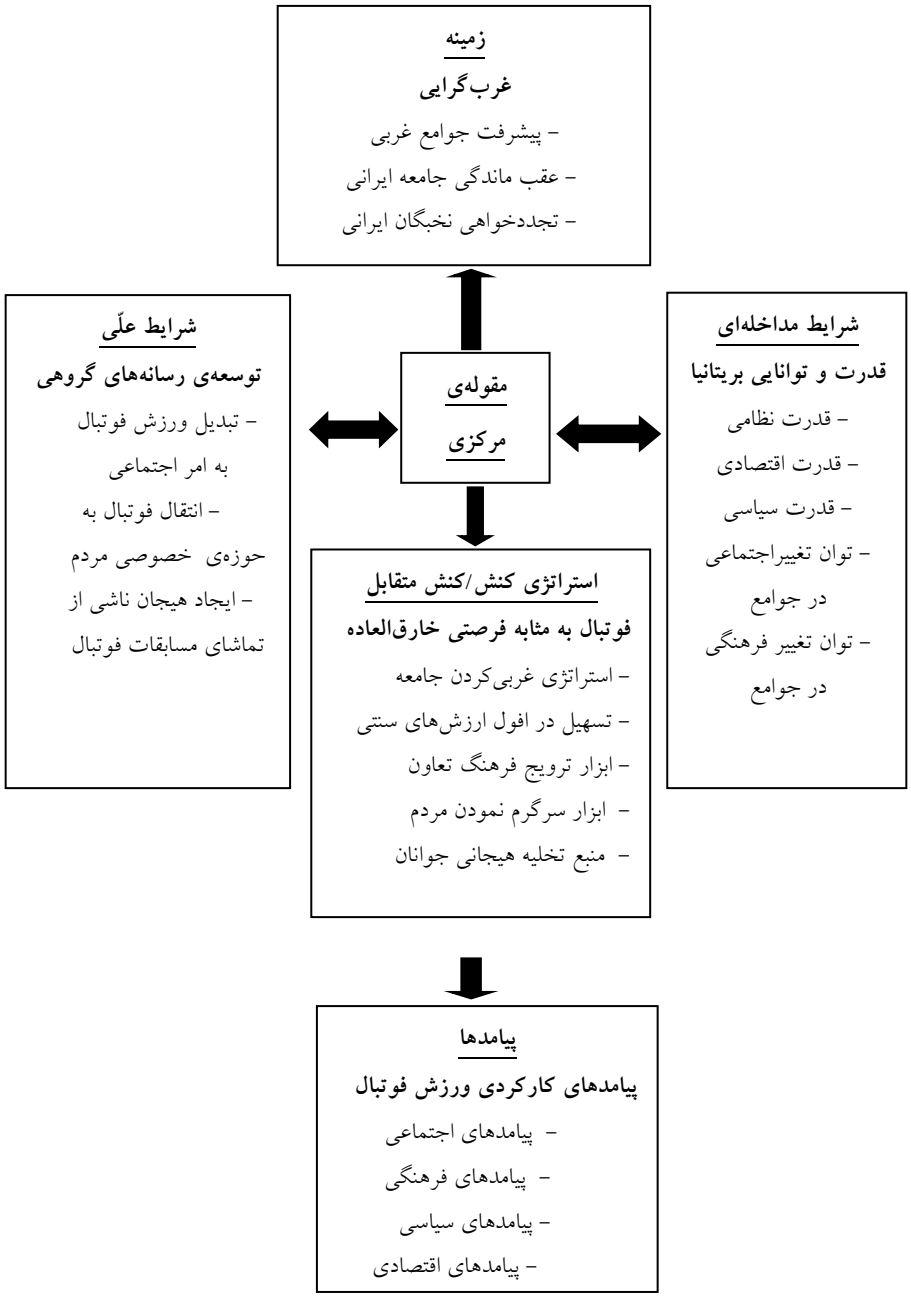
قبل از بازی ایران و هند بود(۱۷ مرداد ۱۳٤۷) آرایش‌گر را آورده بودند داخل هتل که بچه‌ها را قبل بازی مرتب کند. داشتند سرم رو اصلاح می‌کردند، دیدم خدا رحمتشون کنه آقای حسین مبشر[2]*، آقای فکری*[3] *اومدن تو و یه هو آقای مبشر به من گفت: نادر می‌دونی چه خبره؟ گفتم: نه چه خبره؟ گفت: استادیوم امجدیه ۳۰ هزار تا پره، ۳۰ هزار تا هم بیرون تو خیابون موندن. جالب اینه که حالا ساعت ۲ بعدازظهر است و ما ساعت ۵ بازی داشتیم(نادر لطیفی، پیش‌کسوت تیم ملی و باشگاه تاج سابق).*

[1] consequences

[1] رئیس وقت فدراسیون فوتبال ایران

[3] مربی وقت تیم ملی فوتبال ایران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



نمودار شماره‌ی دو- مدل مفهومی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

عقب‌ماندگی جامعه‌ی ایرانی اواسط دوران قاجار و آگاهی یافتن نخبگان ایرانیِ عصر مذکور از پیشرفت جوامع غربی موجب شد تا بسیاری از نخبگان بر طبل تجددخواهی و غرب‌گرایی بکوبند. این گرایش، در اواخر دوران قاجار منشأ تحولات عظیمی چون انقلاب مشروطه شد. از میان دول غربی، کشورهای بریتانیایی خاصه انگلستان، بیش‌ترین نقش را در تغییرات ناشی از تحولات مذکور ایفاء نمودند. برنامه‌ی مدرن‌سازی جامعه‌ی ایرانی موجب تحول و دگرگونی نهادها از جمله نهاد ورزش شد. گسترش ورزش فوتبال با خاستگاهی بریتانیایی و هم‌چنین افول ورزش‌های کهن ایرانی چون کشتی و زورخانه نتیجه‌ی منطقی این تحول و دگرگونی در نهاد ورزش بود. توسعه‌ی رسانه‌های گروهی در دهه‌ی ٤٠ و ٥٠ و پخش زنده‌ی مسابقات فوتبال و هم‌چنین گزارش به‌روز آن از نشریات موجب شد تا پیام گفتمان حاکم با سرعت بیش‌تر و در میان مردم بیش‌تری انتقال یابد. پیشرفت رسانه‌های گروهی، سرعت فرآیند تغییرات را چند برابر نمود. بدین‌سان، ورزش فوتبال فرصتی استثنایی برای حکومت پهلوی دوم به بار آورد، چه رسالت اصلی حکومت مذکور غربی‌کردن جامعه‌ی ایرانی بود و فوتبال نقش‌های بسیاری در جهت تحقق این رسالت ایفا می‌نمود.

نتیجه‌گیری

ورزش فوتبال، برگ‌های برنده زیادی برای گسترش و محبوبیت دارد. از آن‌جمله می‌توان به شیوه‌ی انجام گروهی، قواعد ساده، قرابت آن با دنیای مدرن، حداقل امکانات(تنها با یک توپ می‌توان این بازی را اجرا کرد) و لزوم تلفیق مهارت‌های قدرت، سرعت و تکنیک در این بازی اشاره کرد. با تمام این تفاسیر، آن چه فوتبال را از ورزشی مشخص به پدیده‌ای اجتماعی مبدل ساخت و زمینه‌ی همه‌گیرشدن آن را فراهم کرده، عواملی خارج از میدان این ورزش است که از آن به عنوان عوامل اجتماعی یاد می‌شود.

مدل مفهومی ارائه‌شده بر مبنای مطالعه‌ی حاضر که به‌منظور تبیین فرآیند مذکور تدوین گردید، نشان می‌دهد که چگونه عوامل اجتماعی متعدد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا گسترش و محبوبیت ورزش بریتانیایی فوتبال را در عصر مورد مطالعه رقم زده باشند. دولت در عصر پهلوی دوم، فوتبال را نه به مثابه‌ی یک ورزش، بلکه مانند راهبرد و سیاستی برای حل مسایل آن دوران به کار می‌بندد. درواقع، ورزش فوتبال در کنار موسیقی، سینما، فیلم‌های عامه‌پسند و... به‌عنوان ابزاری نیرومند، رسالت بهبود و ایجاد نظم در جامعه را به دوش کشیدند. پیشرفت موارد مذکور،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتیجه‌ی منطقی اجرای استراتژی مشخصی چون "مدرنیزاسیون" بود. مدرنیزاسیون اعمال‌گردیده در دوران پهلوی دوم، خود برنامه‌ای از پیش مدون‌گردیده به‌منظور غربی‌کردن جامعه‌ی ایرانی است. برنامه‌ای که آرزوی دیرین بسیاری از روشن‌فکران و تجددخواهان ایرانی از صدر مشروطه تا دوران مورد بررسی این تحقیق را جامه‌ی عمل می‌پوشاند. علاقه‌ی محمدرضاشاه در رأس هرم دولت پهلوی دوم به ورزش فوتبال در گسترش این ورزش، خاصه در میان طبقات متوسط و پایین جامعه نقش بی‌بدیلی ایفا می‌نماید. این میل و علاقه‌ی شاه که در دوران تحصیل ایشان در مدارس سوئیس حاصل آمده بود، موجبات آن را فراهم آورد تا مردم عامه حساب ویژه‌ای روی ورزشی که شخص نخست مملکت را دل‌باخته‌ی خویش نموده، باز کنند.

گسترش رسانه‌های گروهی در دهه‌ی ٤٠ و ٥٠ موجب گسترش ورزش فوتبال از حوزه‌ی خصوصی به حوزه‌ی عمومی شد. بدین سان، شور و شادی مردمی پس از پیروزی ۲ بر ۱ تیم ملی ایران در مصاف با اسرائیل به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳٤۹(که به صورت زنده از تلویزیون پخش می‌شد) به نوعی جشن تثبیت جای‌گاه ورزش فوتبال به عنوان محبوب‌ترین ورزش جامعه‌ی ایرانی بود. به دیگر سخن، جریان کلان هواداری از فوتبال، مهر تأییدی بر موفقیت برنامه‌ریزی‌های دولت پهلوی دوم و حامیان قدرتمندش جهت گسترش این ورزش در جامعه‌ی ایرانی بود.

این طرز تلقی که حمایت دربار قاجار از پهلوانان کشتی و زورخانه، موجب محبوبیت این ورزش‌ها و ورزش‌کارانش نزد عامه‌ی مردم در آن عصر بود و هم‌چنین توجه ویژه‌ی رژیم پهلوی به ورزش فوتبال(در دوران رضاشاه نیز انجمن ترقی فوتبال تأسیس یافته بود) موجب گسترش این ورزش و افول ورزش‌های کشتی و زورخانه را فراهم آورد، یادآور نظریه‌ی "فرآیند متمدن‌کننده"ی نوربرت الیاس است که تغییر در رأس جامعه (درباریان، نجبا و زنجیره‌ی وابستگی‌شان) را عامل اصلی تغییر در جامعه و رفتار مردم قلمداد می‌نماید. این مهم به سبب آن است که موقعیت نجبا و رفتاری که آن‌ها انجام می‌دادند، برای مردم بیش‌تری در سراسر جامعه، حقیقت واقع محسوب می‌شد.

در جوامعی چون جامعه‌ی ایرانی که توسط عوامل قومی، نژادی، طبقاتی، مذهبی، جنسیتی و منطقه‌ای به گروه‌های مختلف تقسیم شده است، فرصت‌های اندکی وجود دارد تا به مردم حس وجدان جمعی مشترک یک ملت واحد بودن را بدهند. ورزش فوتبال، یکی از آن فرصت‌های خارق‌العاده است. این ورزش، نقش و کارکردهای بسیاری برای دولت و جامعه در عصر مورد نظر این تحقیق به ارمغان آورد. اگر این ورزش عاری از چنین کارکردهای کلیدی بود، هرگز

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نمی‌توانست چنین تداوم و گسترشی داشته باشد. ورزشی چون فوتبال امکان تلاشی سازمان‌یافته و جمعی را برای تبدیل تضادها به شکلی از تعاون فراهم می‌آورد. بدین‌سان، اصلی که فوتبال را معنا و ارزش انسانی می‌دهد، شکلی از هم‌زیستی جمعی یاری‌گری و حتی شکلی از دگرخواهی است که به زعم بسیاری از نخبگان سیاسی و فکری آن دوران، جامعه‌ی ایرانی نیازمند آن بود.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر برخلاف آن چه پژوهش‌گران در ابتدا تصور می‌کردند، نشان می‌دهد که گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم بیش از آن‌که محصول علاقه‌ی مردم به ورزش مذکور یا ویژگی‌های خاص این ورزش باشد، نتیجه‌ی منطقی برنامه‌ریزی‌های حاکمیت وقت و جناح‌های قدرت‌مند حامی ایشان و به منظور مدرن‌ساختن یا به عبارت صحیح‌تر غربی‌کردن جامعه‌ی ایرانی عملی می‌گردد.

این تحقیق، ضمن روشن‌ساختن نکاتی در باب موضوع مورد بررسی، پرسش‌های بسیاری نیز مطرح ساخت. نگارندگان امیدوارند محققان دیگر با انجام تحقیقات بیش‌تر و طرح پرسش‌های جدیدتر، حق مطلب را در این باب ادا نمایند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. اباذری، یوسفعلی (۱۳۸۱) «نوربرت الیاس و فرآیند متمدن‌شدن»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۹: ۲۵- ۱۹.

۲. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷) **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر مرکز.

۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸٤) **تغییرات اجتماعی در ایران**، تهران: نشر اجتماع.

٤. افسرکشمیری، بیژن (۱۳۸۱) «نگاهی به خشونت فوتبال»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۹: ۳۵- ۲۷.

۵. الهی، صدرالدین (۱۳۷۳) «نگاهی دیگر به سنتی کهن: زورخانه»، **مجله‌ی ایران‌شناسی**، سال ششم، شماره ٤: ۷٤۵ تا ۷۲٦.

٦. استروس، آنسِلم و ژولیت کوربین (۱۳۸۷) **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها**، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۷. استروس، آنسِلم و ژولیت کوربین (۱۳۹۵) **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای**، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

۸. امینی، علیرضا (۱۳۸٦) **تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی**، تهران: نشر صدای معاصر.

۹. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱) **روش‌شناسی تحقیقات کیفی**، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه.

۱۰. باقری، مجتبی (۱۳۸۹) «**کارکردهای اجتماعی- فرهنگی ورزش فوتبال**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه مردم‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

۱۱. بیتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۸٦) **انسان‌شناسی فرهنگی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۱۲. جلالی فراهانی، مجید (۱۳۷۸) **دانستنی‌های فوتبال**، تهران: مؤسسه‌ی کتاب همراه.

۱۳. جلالی، مجید (۱۳۸۵) «**قرمز و آبی طرح پیشنهادی انگلیسی‌ها به ساواک بود**»، خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)، تاریخ مشاهده ۱۳۹۷/۰۳/۳۰. https:// www. Isna. ir

۱٤. ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۸٦) **روش‌های تحقیق کیفی**، تهران: انتشارات بشری.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۸) «جهان ما چه نیازی به فوتبال دارد؟»، **نشریه‌ی فلسفه**، شماره ی ٤۱: ۸- ٤.

۱٦. ذکایی، محمد سعید و فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳) «راز شیفتگی جهان به فوتبال»، گفت‌وگوی مهسا رمضانی روزنامه‌نگار، **روزنامه‌ی ایران** به تاریخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۵.

۱۷. روشه، گی (۱۳۸۲) **تغییرات اجتماعی**، ترجمه‌ی منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

۱۸. ریتزر، جرج (۱۳۸۹) **مبانی نظریه‌ی جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن**، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث.

۱۹. شفیعی‌سروستانی، اسماعیل (۱۳۷۸) **داستان ورزش ایران**، تهران: موعود.

۲۰. شهابی، هوشنگ (۱۳۷۷) «مروری بر تاریخ اجتماعی و سیاسی فوتبال در ایران»، **مجله‌ی ایران‌نامه**، سال هفدهم، شماره‌ی ۱: ۱۱۳- ۸۹.

۲۱. صدر، حمیدرضا (۱۳۷۹) **روزی روزگاری فوتبال**، تهران: آویژه.

۲۲. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱) «فوتبال و کشف علائم تغییرات فرهنگی»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۹: ۱۰٤-۹۳.

۲۳. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۵) «بازنمایی فوتبال یا واقعیت؟»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره‌ی ٦: ۱۰۹ -۸۱.

۲٤. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۹) «رابطه‌ی فوتبال و رسانه‌ها در ایران»، **ماه‌نامه‌ی آیین**، شماره‌ی ۳۰ و ۳۱ شهریورماه.

۲۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)«فوتبال، ارتباطات، جهان‌گرایی»، **ماه‌نامه‌ی آیین**، شماره‌ی ۳۰ و ۳۲:۳۱- ۲۹.

۲٦. فوران، جان (۱۳۸٦) **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران**، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.

۲۷. قدیمی، بهرام (۱۳۹۳) **اصول و مکاتب جامعه‌شناسی ورزش**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۲۸. کاشفی‌پور، حسن (۱۳٦۲) **تاریخچه‌ی دیدارهای پرسپولیس و استقلال**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۹. کوپر، سایمون (۱۳۸۹) **فوتبال علیه دشمن**، ترجمه‌ی عادل فردوسی‌پور، تهران: چشمه.

۳۰. کوئن، بروس (۱۳۸۲) **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۳۱. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی (۱۳۹۳) **غلامرضا: زندگی‌نامه و خاطراتی از جهان‌پهلوان غلامرضا تختی**، تهران: امینان.

۳۲. محمدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق ضد روش: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی**، جلد ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۳۳. محمدی سرشت، مهدی (۱۳۹۳) **رخصت بده پهلوون**، تهران: فاتحان.

۳٤. هاشمی، سید ضیاء و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸٦) فوتبال و هویت ملی، **فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی**، سال هشتم، شماره‌ی ۲: ۱۲٤- ۱۰۷.

۳۵. هنیش، ناتالی (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی نوربرت الیاس**، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.

36. Bromberger, C. (1998). **troisieme mi – temps pur le football iranien**. le monde diplomatique.

37. Denzin, Norman. (2017). **the Research act: a theoretical introduction to sociological methods**. third editions, Englewood cliffs, Nj: prentice hall.

38. Helmer, Diana and Thomas, S. Owens. (2000). **the history of soccer**. new York: rosen publishing.

39. Strauss, A. & J. Corbin. (1998). **Basics of Qualitative Research**. London: Sage.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]